

مردی که دوست داشت قهرمان بماند!

۲۸ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۰۲

آیت الله کاشانی در نامه خود به چند مورد مهم اشاره می‌کند: اول، انتقاد از مصدق به دلیل حرکت‌های خودخواهانه جهت قهرمان جلوه دادن خود، دوم انحلال مجلس که در تناقض با اصول دموکراتیک بود، سوم، اخراج کردن زاهدی از مجلس و در نهایت پیش بینی کودتا که صحت آن به فاصله کوتاهی، اثبات گردید.

جوان و تاریخ- مقالات



کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران، از آن جهت که نقطه عطفی جهت استقرار یک حکومت دیکتاتوری و دخالت گسترده و مستقیم آمریکا گردید، از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو واکاوی علل این کودتا و از جمله اختلاف رهبران اصلی نهضت ملی شدن نفت که تأثیر مستقیمی بر وقوع کودتا داشت، امری بس ضروریست. یکی از اسناد مهم در موارد اختلاف این دو، نامه تاریخی آیتالله کاشانی به دکتر مصدق، چند روز قبل از وقوع کودتا و پاسخ دکتر مصدق به آن نامه است. در این نامه آیتالله کاشانی ضمن هشدارهایی به دکتر مصدق به وقایعی چون انحلال مجلس شورای ملی از طریق رفراندوم، و نیز احتمال وقوع کودتا در آیندهای نزدیک اشاره کرده است. از آنجا که محتوای این نامه و تبیین آن نقش مهمی در فهم اختلافات دو شخصیت و نیز علل شکست

کودتا دارد، به بررسی و تبیین آن پرداخته میشود.

نامه آیتالله کاشانی به مصدق

نامه آیتالله کاشانی در تاریخ ۲۷ مرداد سال ۱۳۳۲ یعنی یک روز قبل از کودتا نوشته شده است. این نامه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر گردید، و بعد از انتشار عدهای در اعتبار تاریخی و سندیت آن به آیتالله کاشانی تردید نمودند که البته بسیاری از اسناد و شواهد موجود از جمله مطابقت خط نامه با مطابقت خط آیتالله، بر بسیاری از شک و تردیدها پوشش نهاد؛ که البته بررسی موشکافانه این موضوع خارج از سطور این نوشته کوتاه بوده و مجال دیگری را میطلبد. با اینحال آنچه که مسلم است این نامه از حیث سیاسی، حاوی نکات مهمی میباشد که جهت پی بردن به برخی واقعیات کودتا اهمیت خاصی دارد. از این رو به بخشهای مهمی از نامه اشاره میگردد:

«... حرف اینجانب را درخصوص اصرارم در عدم اجرای رفراندم نشنیدید... و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد بستید... زاهدی را که من با زحمت در مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگاه داشته بودم با لطایف الحیل خارج کردید و حالا همانطور که واضح بوده درصدد به اصطلاح کودتا است. اگر نقشه شما نیست که مانند سی ام تیرماه عقب نشینی کنید و به ظاهر قهرمان بمانید... همان طور که گفتم آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسیها کمک کرد حالا به صورت ملی و دنیاپسندی می خواهد به دست جنابعالی این ثروت ما را به چنگ آورد و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی خواهید کنار بروید این نامه من سندی است که من شما را... از وقوع حتمی یک کودتا توسط زاهدی که مطابق با نقشه های خود شماست آگاه کردم که فردا جای هیچ گونه عذری نباشد...»

آیت الله کاشانی در این نامه به چند مورد مهم اشاره می کند، اول، انتقاد از مصدق به دلیل حرکت های خودخواهانه جهت قهرمان جلوه دادن خود، دوم انحلال مجلس که در تناقض با اصول دموکراتیک بود، سوم، اخراج کردن زاهدی از مجلس که آیتالله کاشانی به گفته ی خویش سعی در کنترل او جهت جلوگیری از هر گونه حرکت غیرملی از جمله کودتا داشت و در نهایت پیش بینی کودتا که صحت آن به فاصله کوتاهی، اثبات گردید.

به نظر میرسد موارد اصلی اختلاف آیتالله کاشانی و مصدق نیز به همین موارد بازمیگشت که به بررسی کوتاه این موارد پرداخته میشود:

یکه تازی مصدق

در این رابطه، «آیتالله کاشانی معتقد است که مصدق تمایلی به نخست وزیری ندارد «و النهایه علاقمند است که به شکل یک قهرمان میدان را ترک کند... دکترو مصدق توانایی اجرایی کار مهم را به خصوص از اینکه در معرض اتهام قرار بگیرد نداشت ولی در

لباس یک نماینده اقلیت خوب انتقاد میکرد... و بر دستهای اتکا میکرد که کمک به قهرمان ماندن او میکردند.»^۱

یعنی افرادی مورد تأیید مصدق بودند که به نوعی همیشه حرف و عمل او را (حتی اگر اشتباه میکرد) تصدیق میکردند. بدین معنا که یکه تازی و عدم اتکا مصدق به دوستانی که نظری ناهمسو با مواضع و دیدگاههای وی داشتند باعث شد تا بسیاری از همراهان قدیمی وی به مخالفت با او برخاسته و یا از او جدا شوند؛ زیرا مصدق به زعم آیتالله کاشانی دوست داشت به تنهایی قهرمان شود.

انحلال غیرقانونی مجلس

انحلال مجلس نیز از دیگر اشتباهات دکتر مصدق بود که آیتالله کاشانی در نامه خود به آن اشاره مینماید؛ زیرا طبق قانون اساسی، قدرت اجرایی حکومت و نخست وزیر برآمده از مجلس بود و تصمیم دکتر مصدق برای انحلال مجلسی که هنوز یکسال از عمر نگذشته بود غیرقانونی و مغایر با اصول دموکراتیک بود؛ از این رو مصدق با توسل به رفراندوم درصدد انحلال مجلس برآمد. انحلال باعث شد اولاً میان هواداران مصدق که اکثریت مجلس را نیز تشکیل میدادند اختلاف به وجود آید ثانیاً شاه توانست اختیار قانونی جهت برکناری مصدق و روی کار آوردن نخست وزیر مورد نظر خود یعنی زاهدی، را به دست آورد. گذشته از این، انحلال مجلس پس از کودتا نیز باعث شد تا شاه و عوامل کودتا به راحتی بتوانند افراد مورد نظر خود را به مجلس وارد کنند که این موضوع نیز در درازمدت به ضرر منافع کشور تمام شد. البته یکی از دلایل انحلال مجلس توسط مصدق، تحصن زاهدی بود که در نهایت مصدق را بر آن داشت تا مجلس را منحل کند.

اخراج زاهدی از مجلس

در جریان تحولات پیش از کودتا، زاهدی در زمان ریاست آیتالله کاشانی در مجلس متحصن شده بود و از این رو توسط دکتر مصدق از مجلس اخراج میشود و «بعد در زمان ریاست دکتر معظمی و با اتومبیل رئیس مجلس از مجلس خارج و به جای امنی برده میشود و او در همین دوره است که مقدمات کودتا را فراهم میکند.»^۲

مصدق با اخراج زاهدی و به دنبال آن انحلال مجلس مرتکب اشتباه فاحشی میشود؛ زیرا کنترل زاهدی در مجلس بسیار آسانتر بود؛ اما اخراج وی ضمن ایجاد بستر مناسب جهت نخستوزیری او، منجر به فرصت سازی جهت تدارک کودتا میگردد. کودتایی که آیتالله کاشانی با توجه به اوضاع و شرایط آن را پیش بینی و در خصوص وقوع آن به مصدق هشدار داده بود. از همین رو آیتالله کاشانی ضمن یادآوری تمام بدیهایی که مصدق در حق وی و خانواده‌هایش کرده بود با گوشزد نمودن کودتای آمریکایی- انگلیسی و عواقب آن یعنی چپاول ثروت کشور توسط آنها، سعی در آگاه کردن مصدق میکند. اما با وجود این هشدارها، دکتر مصدق با امیدواری و اعتماد به آمریکا، در طی درخواستهایی خواهان افزایش کمکهای اقتصادی آمریکا به ایران میشود. کودتای نافرجام ۲۵ مرداد که طی آن شاه مجبور به فرار از کشور شد نیز نتوانست مواضع مصدق را نسبت به آیتالله کاشانی و سایر هوادارانش تغییر

دهد. از این رو وی تنها با بسنده کردن جوابیه‌ای به کاشانی، او را از مداخله در امور کشور و تحولات آینده منع میکند، غافل از آن که گذشت زمان به زودی درستی نگرانی و پیشبینی آیتالله کاشانی را اثبات میکند و با کودتای ۲۸ مرداد فصل جدیدی از وابستگی کشور و چپاول ثروت آن توسط آمریکا و بهره‌گیری از اشتباهات فاحش مصدق آغاز میگردد.

پی نوشت ها:

۱- سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱: ص: ۵۰۸.

۲- همان. ص: ۵۰۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۱۱۹/جماند-قهرمان-دوست-مردی>